آموزش در حاشیه

در میزگرد فعالان حاشیه شهر با مدیرکل آموزش و پرورش، کمبودها و دغدغه های دانش آموزان بررسی شد



عکس: جواد کرمانی | شهرآرا

گزارش روز



نکتم جاوید
روزنامه نگار

هرچه بود می گذشت، اما آمدن مهمانان ناخوانده اوضاعشان را وخیم تر کرد. حالا باید برای ثبت نام در تنها مدرسه منطقه هم انتظار بکشند و در نهایت به همانی که هست، راضی باشند. خوش حال از اینکه یک نیمکت خالی برایشان باقی مانده است. برای مدرسه ای که دو شیفته شده است و شاگردان کلاسش تا جلو تخته سیاه را پر کرده اند. آن وقت چشم امید والدین محرومشان به همین کلاس های درس و معلمان است تا مهر درس خواندن را به دل فرزندان قدونیم قدشان بیندازند و آینده ای بیرون از حاشیه شهر در انتظارشان باشد. روی دیگر سکه اما مدرسه ای است با کمترین فضا و امکانات، بدون معلم های دروس تخصصی و گاه معلم پایه ابتدایی. مدارس حاشیه شهر مجموعه ای از همه مشکلات و کمبودها هستند. از آن ها زیاد می گویند و زیاد می شنوند، اما تغییر چندانی در اوضاع ایجاد نمی شود. محرومیت از آموزش با وجود ادعای رایگان بودن تحصیل، رنجی بزرگ است و حاشیه نشین بودن نباید بهانه ای برای نپرداختن به این گروه پرتعداد باشد. در میزگردی که در روزنامه شهرآرا برگزار کردیم، فعالان حاشیه شهر را کنار سیدامیر شوشتری، مدیرکل آموزش و پرورش، نشاندیم تا از وضعیت مناطقی که در آن رشد کرده و جنس محرومیتش را درک کرده اند، بگویند و پاسخ مدیر را بشنوند.

شهرآرا| شروع میزگرد را با توضیح مختصر شما از میزان توجه به حاشیه شهر آغاز می کنیم.

شوشتری| درباره اقدام برای حاشیه شهر، تمرکز ما نسبت به همه استان های کشور در این بخش بیشتر است و برنامه های مداوم و مستمری داریم. اول اینکه در جلسات اصلی ستاد ساماندهی حاشیه شهر به شکل مرتب شرکت می کنیم و گزارشی کامل از اقدامات ارائه می دهیم؛ از ساخت و ساز بنای مدارس تا تمرکز کمک های خیران، بازماندگان از تحصیل، توزیع بسته های معیشتی و همه موارد. حتی برای توزیع لوازم ورزشی و اختصاص پرسنل همکار هم سعی کردیم مناطق حاشیه شهر را خاص و ویژه ببینیم. تفاهم نامه ای برای ایجاد هفتاد تا هشتاد چشمه جدید سرویس بهداشتی و آبخوری منعقد شد که همه آن ها در مدارس حاشیه شهر متمرکز شدند. مراحل بازسازی حدود پنجاه مدرسه را داشتیم که باز هم در نواحی یک، پنج و تبادکان بودند. اقلام مرغوب و با کیفیت ورزشی با بهترین استانداردها در حاشیه شهر توزیع شد و اکنون تقریبا همه مدارس در آن نواحی از آن بسته های ورزشی استفاده می کنند.



شوشتری: اساسا ذات مدارس خاص، بازتولید نابرابری است. در همه دنیا هم همین است. به دنبال آن در مدارس تیزهوشان ما هم، بچه ها با یک فرمول خاص وارد می شوند، نه شایستگی های بنیادین و کسانی وارد آن مدارس می شوند که برخوردارترند

شهرآرا| تعداد دانش آموزان مناطق حاشیه نشین مشهد چند نفر است؟

در ناحیه یک آموزش و پرورش ۴۴ هزار دانش آموز، در ناحیه ۲ که قسمت خیلی کمی از آن در حاشیه شهر است، ۱۵ هزار نفر، در ناحیه ۵، ۲۶ هزار نفر و در منطقه تبادکان که ۷۰ هزار نفر محصل دارد و بیشترین وسعت نواحی حاشیه ای، حدود ۳۵ هزار دانش آموز داریم. در مجموع حدود ۱۲۰ هزار نفر از کل یک میلیون و ۴۰۰ هزار دانش آموز استان ما در حاشیه شهر مشهد ساکن هستند که نزدیک به ۱۰ درصد جمعیت را تشکیل می دهند. به عبارت دیگر، از مجموع دانش آموزان غیربرخوردار و این همه مدارس روستایی، ۷۰ درصد مربوط به حاشیه شهر مشهد هستند. همچنین، کانکس های مهرگان جمع شده است و دانش آموزان به داخل ساختمان منتقل شدند. بیش از سیصد مدرسه کانکسی در روستاها داریم، اما اکنون موارد بسیار اندکی شاید چهار پنج کانکس در حاشیه شهر مشهد باقی مانده است که البته نه مدرسه، بلکه کلاس های اضافه ای هستند که به دلیل افزایش ثبت نام، به مدارس اضافه شدند.

دکتر سیدعلی حسینی، دبیر مجمع مطالبه گران قرارگاه بقیة|... استان و عضو شورای معتمدان محلات حاشیه شهر مشهد| در حوزه آموزش و پرورش و در ستاد حاشیه شهر کارهایی شده است، اما وضع فعلی حاشیه شهر مصداق همه آنچه هست تا آنچه باید اتفاق بیفتد، است. از بخش کوچکی از عدالت، فرسنگ ها فاصله داریم و دلیل آن هم شاید شخص مدیرکل و اقداماتش نباشد، چون همیشه در جلسات شاهد تلاش هایشان بوده ایم، اما بخش زیادی از مطالبات ما به مسئولان بالادست یا وزارتخانه ای برمی گردد؛ یعنی کمبودهای بودجه ای و خلأ قانون گذار. یک مورد این است که ما سال ها تلاش کردیم مدرسه بسازیم، اما در همین یکی دو سال گذشته و حضور اتباع، با این افزایش ناگهانی، همه مدارس پر شد و هرچه در آینده مدرسه بسازیم، باز هم از سرانه کمتر است. حضور اتباع به آقای شوشتری برنمی گردد، بلکه قانونی بوده که ابلاغ شده، اما این بخش مهمی از مطالبه ماست. می بینم کلاس ها چهل نفره اداره می شود. هنوز در حیاط کلاس برگزار می کنیم. هنوز تا آبان و آذر معلم نداریم. هنوز مدارس حاشیه شهر با معلمان بازنشسته برگزار می شود که گاهی به دلیل معوقاتشان اعتصاب و مدرسه را تعطیل می کنند. فاصله مطالبات در حاشیه شهر از لحاظ سرانه یک دوم و یک سوم کشور است، یعنی اوضاع بسیار وخیم است. اگر بنا باشد از امکانات بگوییم، مثلا فقط یک مدرسه استعدادهای درخشان در ناحیه ۲ داریم. بروید ببینید چند تا از دانش آموزانش ساکن همان منطقه هستند. کسی که می خواهد افراد نخبه را آموزش بدهد، چقدر از بین مناطق کم برخوردار افراد را ثبت نام کرده است؟ در زیرساخت ها مشکلات زیادی داشتیم، اما خوش حال بودیم که با همان وضعیت، به بچه ها آموزش دادیم و آن ها را به جایی رساندیم که باید در مدارس استعدادهای درخشان و نمونه دولتی باشند تا نتیجه آن را در کنکور ببینیم، اما عملا نتیجه چیز دیگری است.

عباسی: تا سال ها قبل حاشیه شهر یک دهم کل شهر بود، حالا یک سوم کل شهر را تشکیل می دهد. براساس آخرین آمار فرماندار، سرانه آموزشی مشهد در حاشیه شهر از سرانه کشوری کمتر است

من منکر زحمات و تلاش های شبانه روزی معلمانی که به حاشیه شهر می آیند، نیستم. خیلی ها با عشق و بهترین کیفیت درس می دهند، اما معلمی که از هر نقطه خودش را به حاشیه شهر می رساند و آموزش و پرورش ذره ای تفاوت برای پرداختی های اوقائل نیست، دیگر تدریس در این مناطق را انتخاب نخواهد کرد. نتیجه اینکه معلم هایی که در مناطق کم برخوردار می مانند، عموما یا خرید خدمات هستند که البته نتایج عملکردشان بد نبوده است یا بازنشسته هستند و تبصره و موارد دیگر. متأسفانه باید بگویم بچه های ما هنوز برای یک توپ فوتبال مانده اند. بیشتر مدارس ما برخی از اعضای اصلی پرسنل مانند معاون هم ندارند، چه برسد به روان شناس و معاون پرورشی که داشتن آن ها آرزوی ماست. مدیران مناطق حاشیه شهر به جای برنامه ریزی باید به دنبال پول جمع کردن برای دستگاه کپی و برگه امتحانی باشند. من و همه مردم حاشیه شهر وظیفه خودمان می دانیم به سیستمی کمک کنیم که ریشه و همه زیرساخت ها در آن شکل می گیرد. انسان سازی در حاشیه شهر تحول ایجاد می کند، نه توزیع بسته های معیشتی. یکی از مسئولان بنیاد کرامت در جلسه ای گفت بین نیازمندان حاشیه شهر بسته معیشتی توزیع کردیم. من گفتم به جای آن بیایید سهم سرانه خودتان را بدهید، زمین بدهید تا مدرسه بسازیم. کمبود مدرسه در حاشیه شهر مشکلی جدی است که باید هرچه زودتر حل شود.

سعید عباسی، معلم خرید خدمات و فعال درکارگروه های کنشگر حاشیه شهر| من ۱۰ سال است به دانش آموزان بزرگسال تدریس می کنم. حدود پنج سال هم هست که برون سپاری حوزه رایانه چند مدرسه از ناحیه تبادکان را در اختیار دارم. تا سال ها قبل حاشیه شهر یک دهم کل شهر بود، حالا یک سوم کل شهر را تشکیل می دهد. براساس آخرین آمار فرماندار، سرانه آموزشی مشهد در حاشیه شهر از سرانه کشوری کمتر است. اگر به مواد قانون اساسی برگردیم، سؤال این است که آیا اجرای آموزش و پرورش رایگان برای این حجم از حاشیه نشین با کمبود سرانه امکان پذیر است؟ آیا می توانیم استعدادها و خلاقیت ها را شکوفا کنیم؟ چه حجمی از وسایل آموزشی و پرورشی را می توانیم رایگان در اختیارشان بگذاریم؟ من ندیدم وسایل کمک آموزشی داشته باشند و رایگان هم باشد. موضوع بعدی عدالت اجتماعی است. امسال ۳۲۰ هزار نفر به جمع اتباع اضافه شده است. آیا موفق شدیم نیازدانش آموزان ایرانی را تأمین کنیم که رفته ایم سراغ بقیه؟ من در کلشهر درس می دهم که ۹۰ درصد دانش آموزانم مهاجر هستند. در کلاس ۲۶ نفره فقط دو دانش آموز ایرانی دارم. برای حل مشکل می توانیم آن ها را در همه نواحی شهر توزیع کنیم. بخشنامه کنید که تعداد اتباع در هر مدرسه چند درصد باشد. نظارت در مدارس غیردولتی حاشیه شهر صفر و نابرابری عجیبی حاکم است. موضوع بعدی که در حاشیه شهر کمتر می بینم، میزان اثربخشی این بخش از شهر در اجتماع است؟ آیا توانسته ایم ظرفیت ها را پیدا کنیم که از آستان قدس و شهرداری امتیاز بگیریم؟ مسئله دیگر ما حضور و عملکرد دانش آموزان در جشنواره ها و مسابقات است با توجه به جمعیت و تراکم حاشیه شهر، آماری از تعداد شرکت کننده ها دارید؟ گاهی از تلویزیون و شبکه های خبر متوجه می شویم و می بینیم که جشنواره ای در حال برگزاری است. این همه محرومیت برای دانش آموزی که گاهی در منطقه زندگی اش یک کتابخانه هم نیست، خیلی سخت است. امسال برای استخدام معلمان فرزند فرهنگی یا ایثارگر امتیاز زیادی در نظر گرفته شد، در حالی که یک نفر مثل من که تحصیلات تکمیلی دارم، سال ها در حاشیه شهر کار کردم، چند نفر را حقوق می دهم و کارآفرینی کردم هیچ کجا دیده نشدم. این گونه انتخاب کردن ضعف بزرگی است برای تعیین معلم.

حسینی| این شکل از انتخاب باعث شد آدم های محروم حاشیه شهر که پیش از این هم نمی توانستند معلم بشوند، بازهم در نظر گرفته نشوند. برای یک میلیون جمعیت که هیچ چیزی ندارند، امتیازهایی می گذاریم که باز شامل آن ها نمی شود. یعنی سکونت در حاشیه شهر هیچ امتیازی برایشان نداشته است، در حالی که معلم اگر از میان خودشان انتخاب شود، ماندگارتر است.

شوشتری| شیوه انتخاب این طور نبوده و نیست. موارد زیادی مثل سابقه تدریس، بسیج، ایثارگری، فرزند فرهنگی و موارد دیگر هم بوده است. همچنین، مصاحبه های تخصصی هم داشتیم و دوسه هزار نفر را از گزینش نهایی رد کردیم.

اینکه مهاجران را وادار کنیم به مناطق دیگر بروند، به دلیل دوری راه امکان پذیر نیست. در حالی که در سال های گذشته ثبت نام اتباع در نواحی ۴ و ۶ ممنوع بود، امسال اجازه دادیم تعدادی را در مدارس بپذیرند و همین اقدام هم انجام شد. درباره حضور و ثبت نام اتباع، ما از سیاست های حاکمیتی تبعیت می کنیم، درعین حال تقسیم آن ها در نواحی دیگر تنها راه چاره بود. فرم امتیازبندی حساسیت زیادی داشت و ما باید از بین ۵۰ هزار نفر متقاضی، هزار نفر را انتخاب کنیم. اتفاقا این دوره عادل ترین و اصولی ترین شیوه انتخاب را داشتیم. در حالی که در دوره قبل ۶ هزار نفر جذب شدند و کسی متوجه نشد. زیر بار اعتراض ۴۹ هزار نفر ایستادیم تا همه انتخاب ها عادلانه باشد.

دکتر رمضان روحانی، فعال حاشیه شهر| این جلسه ها بهانه ای است تا مشکلات را کالبدی بشکافیم و شما هم از بالادستی ها مطالبه کنید. یکی از اصلی ترین مسائل، آموزش است که وقتی حل می شود، مثل دومینو بسیاری از مشکلات را حل می کند. عادلانه نیست که هرگاه نیاز داریم از مردم حاشیه کمک بگیریم، اما امکاناتمان درخور شهروندان نباشد. من در انتهای التیمور درس خواندم و وارد دانشگاه صنعتی شریف شدم و همه مشکلاتی را که از آن سخن گفتند، درک کردم. بعضی معلمان بدون دانش و بی انگیزه، مشکل می شوند. یکی اینکه معلمان با رشته تحصیلی غیرمرتبط تدریس می کنند، دوم اینکه سرفصل های مصوب را تمام نمی کنند و این موضوع به ویژه در پایه های نهایی مهم است. از موارد زیادی خبر دارم. نه مدرسه نظارت می کند، نه هیچ کس دیگر. آن وقت جایی که به دانش آموزان آسیب وارد می کند، در کنکور است. در حاشیه شهر یک چرخه فقر داریم و برای اینکه دانش آموز از این چرخه خارج بشود، یکی از راه ها تحصیل است. اگر در کنکور قبول شوند، می توانند از یک مرحله مهم عبور کنند، آن هم کنکوری که نه براساس سواد، بلکه آموزش برخی از فنون است. چندین سال است که ما از حاشیه شهر رتبه برتر نداشتیم. امسال که برای انتخاب رشته به دانش آموزان کمک می کردیم، متوجه شدیم تعداد اندکی از رتبه های خوب در حاشیه شهر درس خوانده بودند. آمار ترک تحصیل برای پسرها و ازدواج دختران کم سن و سال بسیار زیاد است. افت تحصیلی یعنی افت سطح فرهنگی و بعد بزهکاری.

نکته دیگر اینکه ما آموزش و پرورش را گران اداره می کنیم. آماری از کشورهای دیگر خواندم که نشان می داد مدت تحصیل دانش آموزان آنان ۸ هزار ساعت است، در حالی که دانش آموزان ما ۱۳ هزار ساعت آموزش دارند. ۵ هزار ساعت آموزش اضافه برای ما هزینه زیادی ایجاد کرده و خروجی اش مطالب حفظ کردنی است که کاربردی در زندگی آن ها ندارد. جای مهارت آموزی در آموزش و پرورش ما خالی است. من که دارم دیپلم می گیرم، ارتباط مؤثر بلد نیستم، هوش اقتصادی و هوش رسانه ای ندارم. هوش رسانه به آموزش اضافه شده است، اما معلمی که آن را تدریس می کند، اطلاعاتی در این زمینه ندارد. جمعیت حاشیه شهر یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است که تقریبا نزدیک ۵۰ درصد جمعیت شهر را تشکیل می دهد، اما در ۱۲ درصد مساحت شهر زندگی می کنند. تراکم جمعیتی مشهد در هر هکتار هشتاد نفر است، در حالی که آنجا چهارصد نفر زندگی می کنند، یعنی پنج برابر بیشتر. این حجم تراکم باعث شده است ما کلاس چهل نفره و دوشیفته داشته باشیم. حالا ۱۵۰۰ کلاس در حاشیه شهر کم داریم، آن ها را کجا بسازیم؟ در منطقه طرق بعد از سی سال توانستند یک مدرسه بسازند. نکته آخر ضعف سیستم استعدادیابی آموزش و پرورش است. فرم مهم هدایت تحصیلی نهم را بادقت تکمیل نمی کنند، بعد به دانش آموزی که نمراتش خوب است، می گویند رشته ریاضی نیاوردی. از چند مدیر پرس وجو کردم، گفتند از مقامات بالا به ما اعلام می شود که امسال فلان رشته کم تجمع است، دانش آموزان را هدایت کنید به سوی آن رشته تا کلاس ها به حدنصاب برسد. گفته ایم هرجا به کمک نیاز است، ما حاضریم طرح بنویسیم و رایگان و جهادی کار کنیم و یک مشکل را در حاشیه شهر حل کنیم.



روحانی: جای مهارت آموزی در آموزش و پرورش ما خالی است. من که دارم دیپلم می گیرم، ارتباط مؤثر بلد نیستم، هوش اقتصادی و هوش رسانه ای ندارم. هوش رسانه به آموزش اضافه شده است، اما معلمی که آن را تدریس می کند، اطلاعاتی در این زمینه ندارد

شوشتری| در مشهد توجه به مشکلات حاشیه شهر زیاد است. تولیت آستان قدس رضوی، استاندار و فرماندار مجدانه پیگیر هستند. درباره استعدادهای درخشان و مدارس نمونه باید بگوییم که نخست، بسیاری از دانش آموزان بی بضاعت هم اکنون بدون پرداخت هرگونه وجهی در این مدارس تحصیل می کنند. البته نمی توانیم آماری از آن ها بدهیم، زیرا آدرس هایشان تغییر کرده است و نمی توانیم تفکیکشان کنیم. بسیاری حاشیه نشین داریم که جذب کلاس ها شده و پله های ترقی را طی کرده اند. درعین حال، اساسا ذات مدارس خاص، بازتولید نابرابری است. در همه دنیا هم همین است. به دنبال آن در مدارس تیزهوشان ما هم، بچه ها با یک فرمول خاص وارد می شوند، نه شایستگی های بنیادین و کسانی وارد آن مدارس می شوند که برخوردارترند. چاره این است که این مدارس را ببریم به مناطق حاشیه شهر. یکی از نواحی هم مدرسه دارد، اما از مناطق دیگر به آنجا می آیند. درباره همکاران فرهنگی هم همین رابطه را داریم. بومی مناطق را استخدام می کنیم و امتیاز می دهیم، اما به محض بالا رفتن رتبه، انتقالی می گیرند و به نواحی بهتر می روند. این ماجرا در روستاها هم رخ می دهد.



حسینی: فاصله مطالبات در حاشیه شهر از لحاظ سرانه یک دوم و یک سوم کشور است، یعنی اوضاع بسیار وخیم است. اگر بنا باشد از امکانات بگوییم، مثلا فقط یک مدرسه استعدادهای درخشان در ناحیه ۲ داریم. بروید ببینید چند تا از دانش آموزانش ساکن همان منطقه هستند

حسینی| منطقه طرق نمونه خوبی است. در دوره ای، پنجاه معلم محلی معرفی کردیم که همگی تا بازنشستگی آنجا ماندند. اگر از بین همه افرادی که از مناطق حاشیه شهر انتخاب می شوند، بخش کمی هم باقی بمانند، باز هم خوب است.

شوشتری| طرق اصالت دارد، در حالی که در برخی مناطق حاشیه شهر تا ۹۰ درصدشان مهاجر هستند. این ها را نمی شود با هم مقایسه کرد. درباره همکاران فرهنگی هم همین است. آمار قبولی های حاشیه نشینان ما در کنکور کم نیست. براساس آمار، تعداد قبولی رتبه کمتر از ۳ هزار دانشگاه در ناحیه یک ۲۵ نفر، ناحیه دو ۱۹ نفر، ناحیه سه ۳۰ نفر، ناحیه پنج ۱۸ نفر و منطقه تبادکان تبادکان ۱۳ نفر است. نسبت را که ببینید، در همه رده ها داریم. بین میانگین نمرات پایه، قبولی های کنکور و رتبه های بالا خیلی شکاف عمیقی نیست. امسال یکی تک رقمی داشتیم که آن هم از روستا بود، بقیه از ناحیه ۴. روی پنج دانش آموز بیشتر کار کردند تا رتبه دوم و بعد تهران باشیم. برای بازماندگان از تحصیل هم کارهایی انجام شد. بنیاد علوی و خیران آستان قدس تعدادی دانش آموز را از حاشیه شهر زیر پوشش اعتکاف تابستانی قرار دادند، در حالی که طرح آن ها مخصوص بچه های سیستان و بلوچستان است. به این ترتیب، بهترین دبیرها را در اختیار دانش آموز می گذارند تا برای کنکور آماده شوند. امکانات ورزشی باید تا الان توزیع شده باشد. اگر بپرسید، برای همه فرستاده ایم.

درباره آستان قدس و ارگان های دیگر نمی خواهم رقم اعلام کنم، ولی آموزش و پرورش بدهی های بی نهایت سنگینی به آن ها دارد. به طوری که در برخی موارد اجاره ملک دوبرابر قیمت ساختمان است. تلاش می کنیم در تهاتر دولتی کارها را پیش ببریم. درباره توبیخ و تنبیه پول گرفتن مدیران هنگام ثبت نام نیز کارهای بسیار بزرگی انجام شد. سه چهار مدیر عزل شدند و بیش از ۷۰۰ میلیون تومان به مردم برگردانده شد. بررسی شکایت ها از تابستان آغاز شده است و صدور و اجرای رأی همچنان ادامه دارد. اینکه مدیران بدون سرانه در اداره خود مشکل دارند، درست است، اما در حال اقدام برای توانمندسازی اقتصادی آنان هستیم. با وجود مانع تراشی شهرداری و سازمان مسکن و شهرسازی، قرار است کاری کنیم که بخش حاشیه ای مدارس که مرغوبیت منطقه ای دارد، به فضاهای تجاری تبدیل شود. به گونه ای که مدارس دریکی دو سال آینده، خودشان دست به جیب شوند. ما غیرمتخصص ترین دستگاه هستیم، اما درباره مولدسازی نسبت به دیگر دستگاه های استان تا امروز پیشرو بوده ایم. در حال شناسایی املاکی هستیم که قابلیت تبدیل شدن به مدرسه در هر منطقه را دارند. ما همه مناطق را شناسایی کردیم که چه زمین هایی و متعلق به چه کسانی است که بتوانیم در اختیار بگیریم. تراکم کلاس ها هم دلایل متعددی دارد. بعد از دو سال کرونا و تعطیلی کلاس ها و نبود مدرسه کافی، فقط می توانستیم نوبت دوم اضافه کنیم، زیرا پیدا کردن ساختمانی مناسب با استانداردهای مدرسه، اصلا کار آسانی نیست.

شهرآرا| مسئله کمبود معلم در مدارس حاشیه شهر هم نگران کننده است. برای حل این مشکل راه حل چیست؟

شوشتری| در آغاز سال تحصیلی همه جا گفتیم و فریاد زدیم که ۲۰ هزار کمبود نیرو داریم و اگر مجوز ندهند، کاری نمی توانیم بکنیم. از این تعداد سه چهارهزار نفر از دانشگاه فرهنگیان، ماده ۲۸ و خرید خدمات به آموزش و پرورش وارد شدند، اما ۱۵ هزار نفر باقی ماندند. بخش دیگر را با بازنشسته ها، نیروهای حق التدریس، معاون و معلم پرورشی تأمین کردیم تا کلاس ها را پر کنیم. برای سال آینده تأمین ۵ هزار نیرو اضطراری است و ۱۵ هزار نفر هم کمبود نیروی عادی داریم. سازمان برنامه و بودجه باید مجوز استخدام بدهد و راه دیگری نداریم. سهمیه برون سپاری های استان را هم کم کرده بودند که با تلاش بسیار به یک سوم رساندیم.

نکته آخر هدایت تحصیلی است که تناقض های زیادی دارد. شما باید چهار گزینه را با هم تنظیم کنید که در واقع چنین اتفاقی نمی افتد. دانش آموزی را با یک استعداد مشخص به سوی رشته تجربی هدایت می کنند، اما اینکه این رشته در آینده این قدر در جامعه نیاز است یا خیر، نکته اول است. اینکه خود دانش آموز تمایل دارد یا خیر، تصمیم گیری والدین و وضعیت اقتصادی جامعه، همگی تناقض های هدایت تحصیلی است. با همه این موارد، مجبورند اجبارهایی در هدایت تحصیلی قرار بدهند و وضعیت را کنترل کنند. در حالی که خود سامانه هدایت تحصیلی هم مدتی در محاسباتش به مشکل خورده بود که آن را حل کردیم.